

گنجینه گذشتگان

اشعار بیخود، و واقف سرابی

تصاویر مذاخان و شعرای قدیم

جزء اول

جلد بیست و پنجم

گردآوری و تصحیح و تحشیه

از مجتبی زادصادق

انتشارات منشور تبریز

تلفن ۵۵۵۴۲۱۹

کنجینه کد شستمان

اشعار بخود و واقف سربانی

www.ketab.ir

هر نقش که بر تخته هستی پیدا است
 آن صورت آن کسی است، که آن نقش آراست
 دریای کهن چو بر زند موجی نو
 . موجش خوانند و در حقیقت دریا ست
 از فخر الدین عراقی

مقدمه

برای شناخت ادبیات آذری حاجت بدان نیست که تاریخ این
 خطه عظیم و پرافتخار از قدیمی ترین ایام تا روزگار مایمان شود
 و حوادث و وقایع نکته به نکته بازگو گردد، بلکه بررسی اشعار
 و احوالات شاعران این دیار به روشنی نشانگر اوضاع اجتماعی
 فرهنگی و اقتصادی هر دوره می باشد در این میان سروده های
 فاخر و نغز شعرای عاشورانی، بیانگر عشق و ارادات وافر مردم
 مؤمن و خداجوی آذربایجان به خاندان مطهر اهل بیت (ع) می باشد
 که سربر آستان ولی نعمتان خود سائیده اند، و هر جا که ذوق
 و قریحه خدادادی باشور و شوق شیعی درهم آمیخته، توانسته
 است در سایه توجه و عنایت خاندان عصمت و طهارت (ع) آثار

ارزشمندی رابیا فریستند که تبدیل به ستارگان بی افول ادبیات آذری شوند، و خالقان این آثار نیز در میان این جاودانه ها همیشه زنده مانده اند، از شاعران بنام اهل بیت (ع) میتوان از مرحوم میرزا جواد واقف سرابی نام برد که با خلق آثاری بی بدیل خویش نقش بسزائی در حفظ و غنای این حوزه ادبی داشته است سروده های او با صنایع ادبی بدیع و معنای عمیق پس از گذشت بیش از یک قرن توانسته است جایگاه خود را در مجالس عزاداری حفظ نماید و همواره سوگواری حضرت سیدالشهداء (ع) معطر به دلوخته های این شاعر گرانقدر است اما در طول زمان در اثر بی توجهی مسئولین امر مجال نشر و طبع میسر نشده و این در حالی است که این شاعر توانمند با همراهی یکی دیگر از شاعران پر آوازه شهرستان سراب بنام (بیخود) سرابی توانسته است با بهره برداری از اوضاع اجتماعی روزگار خود در زمره شعرای پرتلاش قرار گیرد و آثار فراوانی از خود بیادگار بگذارد....

چند سال قبل فرصتی پیش آمد تا در محضر یکی از ادبای شهرستان سراب حضور یابم و به لطف الهی این دیدار سر آغازی شد بر یک دوستی و مودت همیشگی در خلال این نشست ها و گفتگوها، سخن از شاعران فرهیخته آن سامان بمیان آمد و متوجه شدم که پدر مرحوم آقای سید مهدی انواری کلیه سروده های مرحومین بخود و واقف سرابی را در اختیار داشته که پس از فوت آن مرحوم در دسترس فرزندش می باشد با لطف و سخاوت تمام کلیه آن آثار را در اختیار بنده قرار دادند از طرفی قبلاً هم دفتر خطی از آثار آندو شاعر بزرگ توسط حضرت حجة الاسلام والمسلمین کمالی وحدت به (مولف) اهدا شد بود پس از تکمیل آن آثار گران بها که واقعاً در عالم ادبیات گنجینه ارزشمندی محسوب میشد نسبت به چاپ و نشر آن اقدام نموده و از آقای عنایت واقف که نوه مرحوم میرزا جواد واقف می باشد مجوز چاپ آنرا کتباً دریافت داشتم و در مدت کمی موفق بچاپ این جزء اول تحت عنوان جلد بیست و پنجم مجموعه گنجینه گذشتگان گردیدم امید است کلیه آثار (واقف)

در ۷ یا ۸ جزء در اختیار مداحان گرامی و علاقمندان قرار گیرد از
مطالعه کنندگان بویژه شیفتگان دربار ملک پاسبان حضرت
سیدالشهدا (ع) التماس دعا داشته و امیدوارم این ذره بیمقدار را از
یاد فراموش نفرمایید

ملتمس دعا مجتبی زاد صادق

www.ketab.ir

شرح زندگی مرحوم واقف

مرحوم میرزا جواد واقف فرزند مصطفی قلی از طایفه محمد خانلو شهر سراب می باشد که اجداد او مدتهای مدیدی در آن شهرستان بکار کشاورزی اشتغال داشتند (میرزا جواد واقف) در سال ۱۲۶۳ قمری در شهر سراب متولد شده و بسال ۱۳۲۶ قمری چشم از جهان بسته و در امامزاده بزرگ آن شهر مدفون گردید او در ایام کودکی پدرش را از دست میدهد و تحت سرپرستی عمویش جعفر قلی میرزا قرار میگیرد، وی چندین سال در مکتب های آن زمان به کسب علم و دانش سپری می کند، علاقه شدیدی که به خانواده عصمت و طهارت (ع) داشته شروع بسرودن اشعاری در مظلومیت حضرت امام حسین (ع) و خاندان نبوت می نماید، واقف با آنکه بضاعت مالی چندانی نداشته اما از علو طبع بس بالائی بر خوردار بوده است (واقف) در حیات ادبی خود از تخلص های متعددی استفاده نموده، و در این مدت انجمن های قدزتمندی در شهر سراب تشکیل و شاعرانی زیادی را تربیت نموده است (واقف) مدتی هم به

فرمانروائی سراب منصوب و به امور شهر رسیدگی میکرد، ولی این شغل با خصوصیات روحی و قریحه شاعری او سازگاری نکرده و کنج حسینیّه را برمسند فرمانروائی ترجیح داده و در نهایت از این شغل کناره گیری نموده، اشعار ترکی و فارسی واقف بی نظیر و از حد بالائی برخوردار بوده و علاوه از شاعری و چیره دستی در ادبیات فارسی، در موسیقی و طب هم مهارت داشته است. از نمونه اشعاریکه صدق این مطالب را روشن می نماید اشعار ذیل است...

مخالف پرده سیندن راست قیلمش چون (نوا) زلفون

عراقی دوندروب شوره حجازین (شهنار) ایلر
واقف یکی از پیش گامان نهضت مشروطه در سراب بوده
و باسران مشروطه در تبریز همکاری و همیاری داشته و با خوانین محلی همیشه در مبارزه بوده،... است

بهمین دلیل دستور دستگیری واقف از طرف صمدخان شجاع الدوله مراغه ای صادر، و مامورین او به سراب حرکت کرده و او را در بستر بیماری مشاهده کرده و برای اینکه دست خالی بر

نگردند فرزند او (ابوالحسن واقف) را که او هم شاعر بوده بجای پدر دستگیر و روانه باسمنج (اردوگاه قوای شجاع الدوله) می نمایند میرزا ابوالحسن واقف پس از ده روز تحمل حبس، وبواسطت عنایت السلطنه برادر امیر تومان بیرجندی (منشی شجاع الدوله) که قرابت نزدیکی با خانواده واقف داشته او را آزاد و به سراب باز میگردانند ابوالحسن واقف بمحض ورود بشهر سراب، باتابوت سیاه پوشی که مردم جنازه پدر او را حمل میکردند مواجه میشود

واقف تمام اشعارش را در چند دفتر قطور جمع آوری نموده و قبل از مرگ به تبریز و به اسماعیل خان امیر تومان جهت چاپ میفرستد در آن هنگام میانه حکومت مرکزی با امیر تومان به دشمنی مبدل میگردد و در نهایت جنگی بین قوای دولتی و تفنگداران امیر تومان بوقوع می پیوندد و دفترهای واقف در کشاکش این نبرد و غارت خانه امیر تومان بدست غارتگران میافتد و بلافاصله امیر تومان اعدام میشود در نتیجه دفترها بدست نا اهلان میرسد و از بین میرود با توجه به مردمی بودن واقف

اهالی سراب مقداری از اشعار او را حفظ نموده بودند که این
امر باعث از بین نرفتن قسمتی زیادی از اشعار او شده و بیاد این
دو بیتی، از ابوالحسن واقف میآورم و سخنم را خاتمه میدهم
برفت کرد مرا مبتلا به درد فراق

بروح پاک فتوحش درود باد درود

شهرستان سراب عنایت واقف

(نوه واقف)

www.ketab.ir

بسم الله الرحمن الرحيم

گنجینه گذشتگان

جلد بیست و پنجم

اشعار واقف و بیخود سراپی

جزء اول

وفات حضرت رسول اکرم (ص)

محبوب چون حبینه کشف ایلوب جمال

عنقای اوج قدسه آچوب شهر وصال

بوکشف بیر جمالیدی حیران قالیدی عقل

بو اوج میر جلالیدی مبهوت اولور خیال

خاتم و یروب حبینی جبریل خاتمون

دیباچه وجوده مالوب نقش ارتحال

اولدی حبیب مژده وصلیله شاد کام

بو مژده سرورده یوز و یردی اوز گه حال

احباب فرقتیله اولوردی شکسته دل

محبوب و صلیتیه اولاردی شکفته حال

تکمیل ایدن زماندا صفر دوره سین^۱ قمر

قیلدی صفر رییعه ده گوستر مسون هلال

عرض ایلدی رسوله که یا ایها الرسول

احضار قرب ایدوبدی خداوند ذوالجلال

ارواح انبیایه سین عرش اُسته اول امام

بانک نماز چکمکه قوی من اولوم بلال

شمس نبوت ایستدی تا ابلسون غروب

گزلبین و دایعین قمره قیلدی انتقال

^۱ - روایت از حضرت موسی بن جعفر (ع) است چون هنگام وفات حضرت رسول اکرم (ص) گردید انصار را طلبید و گفت ای گروه انصار مفارقت من از شما نزدیک شد حق تعالی مرا بجوار رحمت خود دعوت کرده است شما با من نیکو مجاورت نمودید و آنچه شرط یاری و نصرت بود بعمل آوردید و با مال به مهاجران نصرت کردید و در راه خدا از جان دریغ ننمودید خداوند اجر شمارا کرامت فرمود و دو چیز مانده است که کار شما بآن تمام میشود و بدون آن دو هیچ عبادت شما فایده نمی بخشد و آن دو از هم جدا نمیشود (آنان کتاب خدا و اهل بیت متند) و این دو از هم جدا نیست تا وارد شود بمن در کنار حوض کوثر بدانید که اسلام سقنی است که ستون آن اطاعت از امام است و متابعت او

چون صدمه قضايتشوب قطب عالمه

دوندی مدار گون، دوتوب عالمی ملال

سسلندی یاعلی ویرورم جان اوزون یتور

جان تک قوجا قلا جسمیمی باشیم کناره اول

مهریله ماه منزل جوزاده جمع اولوب

بو حال دل دینده، او ایلردی عرضحال

مندن صور انقدر بلا یتسه صبر قیل

صبر ایتمه سن مدار شریعت تاپار زوال

عالمده یاعلی بودر وحی، یانماسا

بیر نفیس اولماز ایلیه اظهار لایزال

اسلام منهدم اولی باغلانماسا قولون

حق ظاهر اولماز اولماساز هرا شکسته بال

تیز گلگلن دالمجه عمو اوغلی دایانما چوخ

اما قیزیم فاطمه امرین قباقه سال

چکدوم نقدر زحمت تبلیغ امر حق

اجر رسالت ایلیه لر احترام آل

کچمز او قدر او غلوم حسینون عراقده

فتوا یازا کا قانینی تو کمکلیقا حلال

ویرسون گرک فرات کنارینده تشنه جان

سواپچمسون سوسوز تو کولورقانی چون زلال

شمشیریلن وجودینی ایلله خط خط

پیکان دمینده سینه سین ایلله خال خال

عباس محنتینده کسر خصم چاره سین

ایلله الف قامتین اکبر غمنده دال

باشیسز قالار جنازه سی چوخ خورد، خورد اولور

باشیسز عیالی ایلمسون رؤیت احتمال

خورشید تک بالام ایده جاق شامده غروب

زنجیر یله خرابه ده ساخلا کا ماه و سال

باشی گهی تنوره سالور بانگ های هو

گاهی گزر جداده سالور دیره قیل و قال

کریلا چولنده قالور روحی زینبون

بزم یزیده گیتسه گیدر قالب مثال

تاراج ایدنده خیمه لرین چوللره قاچار

آتالار ایاقی آتدا، قالار طفل خردسال

شامه گیدنجه قول قولاً باغلو قویون کیمی

هرگون بولو کلنور قریلور بیربولو ک عیال

مور ضعیف (بیخود و واقف) شها بونظم

پای ملخ دورالده چککر چوخ انفعال

www.ketab.ir